

جمعه 24 شهریور 1438 ذی الحجه 15 سپتامبر 2017

درگذشت استاد "حبیب الله نجومی" ستاره‌شناس معاصر و ناشر سالنمای ایران (1366 ش)

**درگذشت استاد "حبیب الله نجومی" ستاره‌شناس معاصر و ناشر سالنمای ایران (1366 ش)**

حبیب الله نجومی در سال 1287، در شیراز و در خانواده‌ای به دنیا آمد که از طرف پدر، بیشتر از مشاهیر علم هیئت و نجوم بودند که تقریباً طی سه نسل به استخراج و چاپ تقویم همت گماشته‌اند. حبیب الله نجومی، خود، از نه سالگی رموز نجوم را از پدر آموخت و در هجده سالگی به استخراج و محاسبه تقویم پرداخت. پس از درگذشت پدر، نجومی این کار را به تنهایی پی گرفت و در 1312 ش نخستین تقویم خود را انتشار داد. استاد حبیب الله نجومی، ناشر سالنمای ایران، سرانجام در 24 شهریور 1366 در هفتاد و دو سالگی دار فانی را وداع گفت.

رحلت فیلسوف کبیر و عالم نامدار شیعه، حکیم "جهانگیرخان قشقایی" (1289 ش)

حکیم جهانگیر خان قشقایی در سال 1208 ش (1243 ق) در یکی از روستاهای اطراف شهرضا به دنیا آمد. وی در ابتدا مختصری درس خواند و علاوه بر در پیش گرفتن شاهنامه‌ریزی و خوانی، در نواختن تار استادی داشت. جهانگیرخان که در چهل سالگی برای تکمیل هنر نوازندگی به اصفهان رفت، ناگهان شوق فراگیری دانش در او بیدار شد و از زندگی ایللی دست کشیده، در مدرسه صدر اصفهان به فراگیری علوم دینی روی آورد. او در محضر استادانی همچون محمدرضا صهبای قمشه‌ریزی، ملاحسینعلی تویسرکانی، ملاعبدالجواد حکیم خراسانی و شیخ محمد حسین نجفی و... به شاگردی نشست و دیری نگذشت که در حکمت، فلسفه، فقه، طب، ریاضی و نجوم و... به استادی رسید و در عرفان و اخلاق از سرآمدان روزگار خویش گردید. حکیم جهانگیرخان از آن پس به تدریس مشغول شد و در طول چهل سال شاگردان بسیاری از قبیل حضرات آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، آقاضیاءالدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی، محمد علی شاه آبادی، سید حسن مدرس، حاج آقا رحیم ارباب، علامه محمد حسین فاضل تونی، سید محمد کاظم عصار و ده‌ها حکیم و عالم فرزانه دیگر از محضرش کسب فیض کردند. جهانگیرخان دانشمندی بود که هم از علم و هم از اخلاق برخوردار بود. سراسر زندگی خود را در تجرد و قناعت زیست و هرگز جامه ایللی را به جز در هنگام نماز از تن خویش بیرون نکرد. سرانجام این حکیم وارسته و عارف و فیلسوف در بیست و چهارم شهریور 1289 ش برابر با سیزدهم رمضان 1328 ق در 83 سالگی رخ در نقاب خاک کشید و در قبرستان تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

درگذشت دکتر "عبدالحسین زرین کوب" استاد بنام ادبیات پارسی (1378 ش)

دکتر عبدالحسین زرین کوب، پژوهشگر برجسته ادبیات و تاریخ، در سال 1301 ش در بروجرد به دنیا آمد. وی پس از پشت سرگذاشتن تحصیلات ابتدایی و دبیرستان، به خدمت معارف و فرهنگ درآمد و در سال 1327 ش، با کسب عنوان رتبه اول موفق به دریافت لیسانس و سپس فوق لیسانس و دکترا گردید. وی در این دوران از محضر استادانی نظیر محمدتقی بهار، عباس اقبال آشتیانی، احمد بهمنیار و بدیع الزمان فروزان‌فر استفاده برد و در خارج از دانشگاه، مدتی چند در خدمت آیت الله ابوالحسن شعرانی با مباحث حکمت و فلسفه آشنایی کامل یافت. استاد زرین کوب در سال 1330 ش، در کنار عده‌ای از دانشمندان و استادان برای مشارکت در طرح ترجمه مقالات دایرة المعارف بزرگ اسلامی دعوت شد و همکاری شایانی نمود. وی سالیان متمادی در دانشگاه تهران تدریس نمود و مدتی مدیریت گروه ادبیات فارسی این دانشگاه را برعهده داشت. زمینه اصلی پژوهش استاد، مطالعه در تاریخ و فرهنگ اسلامی و نقد ادبی است. ایشان با تبحر در زبان فارسی و تسلط بر زبان و ادبیات عرب و آشنایی با چند زبان اروپایی و مشخصاً انگلیسی و فرانسوی، آثار پرارزشی از خود به یادگار گذاشت که تألیف فلسفه شعر، نقد ادبی در 2 جلد، شعر بی‌رمل و دروغ، از کوچه رندان و نیز ترجمه ادبیات فرانسه در قرون وسطی، متافیزیک و فن شعر و... از آن جمله‌اند. مجموعه تألیفات و پژوهش‌های استاد زرین کوب که بیش از پنجاه اثر می‌باشد، نشان می‌دهد که او زندگانی علمی خود را در میان تاریخ و ادبیات و فلسفه تقسیم کرده و در واقع پیوندی بین این رشته‌ها برقرار ساخته است. استاد زرین کوب که عضو شورای مشاوران عالی کتابخانه ملی و عضو شورای عالی علمی مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی بود و ماه‌های آخر عمر خویش را در تدوین آثار درباره زندگی و اندیشه‌های عطار و سعدی سپری می‌کرد، سرانجام در 24 شهریور 1378 ش در 77 سالگی بدرد حیات گفت و در قطعه فرهیختگان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

انگشت‌برخشی حضرت امیرالمؤمنین(ع) در حال رکوع نماز

روز بیست و چهارم ذی الحجه در تاریخ اسلام، روزی بسیار مهم و سرنوشت ساز است، روزی است که بر اثر یک حادثه کوچک، ولی بسیار عظیم و دارای اهمیت، یکی از آیات الهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. در اثر نزول همین آیه، پیامبر صلی الله علیه و آله پرده از یک مسئله بسیار مهم برداشت و جریان خاتم بخشی علی علیه السلام را به اطلاع مردم رساند. آیه ای که نازل شد، آیه ولایت بود و خبر مهم، اعلام ولایت و جانشینی امیرمؤمنان علیه السلام بود، که پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی پروردگار، از این واقعیت خبر داد و پرده برداشت. خاتم بخشی امیرمؤمنان علیه

روز مباحله‏ ي پیامبر اسلام(ص) با مسیحیان نجران(10 ق)

در این روز، رسول بزرگوار اسلام حضرت محمد(ص) تصمیم گرفت تا با بزرگان مسیحیان نجران به مباحله بپردازد. در مباحله، طرفین، همدیگر را نفرین می‏کنند و برای طرفی که راستگو نیست درخواست عذاب می‏نمایند. هنگامی که سران هیأت نمایندگی مسیحیان نجران، پیامبر اسلام را به همراه تنها چهار نفر از اهل بیتش شامل امام علی(ع) حضرت زهرا(س) و امام حسن و امام حسین(ع) مشاهده کردند، با تعجب دریافتند که پیامبر به استجابت دعای خود و همراهانش، اعتقاد راسخ دارد، از این رو اسقف نجران از رسول اکرم تقاضای مصالحه و بخشش کرد و این جریان، حقانیت اسلام و منزلت اهل‏بیت پیامبر را به روشنی آشکار ساخت.

تولد "فرانسوا لاروش‏ فوکو" نویسنده و فیلسوف فرانسوی (1613م)

پرنس فرانسوا دوک دو لاروش‏ فوکو، فیلسوف و نویسنده فرانسوی، در 15 سپتامبر 1613م در خانواده‏ای اشرافی در پاریس به دنیا آمد. وی از دوران جوانی وارد ارتش و سیاست شد، اما پس از حضور در یکی از جنگ‏های داخلی از ارتش کناره گرفت. لاروش‏ فوکو هم‏چنین پس از چند حضور ناموفق در عرصه سیاست، از این مقوله نیز دست کشید و در پاریس، وارد محافل ادبی شد. وی سپس نخستین اثر خود را با نام خاطرات منتشر کرد که در واقع به نوعی بررسی وقایع سال‏های میانی سده هفدهم میلادی فرانسه می‏پردازد. کتاب دیگر لاروش‏ فوکو با عنوان تفکرات یا حکم، چنان مورد استقبال قرار گرفت که در طی ده سال آخر عمر نویسنده، چهار بار تجدید چاپ شد. این کتاب شامل بیش از پانصد حکمت و مثل است. بخشی از این حکمت‏ها نمایشگر روح بشر است که عقل حاکم بر آن از راه اصلی منحرف نمی‏شود، اما بخشی دیگر، نشان دهنده مواردی خاص از نظرهاست که بر مبنای آن فقط سودجویی باعث حرکت و موتور محرکه آدمی است و البته اقدامات این گروه به صورت مخفی و با ظاهری آراسته و در عین ریاکاری انجام می‏گیرد. در این میان، با وجود برخی مخالفت‏ها، بسیاری از این امثال و حکم در محافل ادبی راه یافت و موجب سرگرمی گشت و اگرچه اندیشه‏ها و نظریه‏های نویسنده، غالباً واقعیت عواطف انسانی و ارزش حقیقی او را نادیده می‏گرفت، قالبی که لاروش‏ فوکو برای بیان اندیشه‏های خود برگزیده بود، به سبب به کار بردن بسیار به جا و متناسب کلمات و دقت در تکامل شیوه بیان که ثمره کار مداوم و وسواس او بود، ستایش این محافل را برانگیخت. کمتر درس انشا و شیوه نگارشی وجود داشت که مانند امثال و حکم، آموزنده باشد. در این کتاب که به کلمات قصار نیز شهرت دارد، لاروش‏ فوکو به عنوان يك فیلسوف شكاك، مطالبی عنوان کرده که برخی از آن‏ها عبارتند از: آن کس که خود را دوست می‏دارد چایلوس‏ترین مردم جهان است؛ همه ما به اندازه کافی توانایی تحمل بدبختی‏های دیگران را داریم؛ اعمال نیک ما، اغلب شدیدتر از اعمال بدمان مورد مجازات واقع می‏شود؛ عشق و عدالت فقط ترسی است از تحمل بی‏عدالتی‏ها؛ اگر ما موفق شده‏ایم که بر عواطف خود غلبه کنیم، بیشتر به سبب ضعف عواطف است تا قدرت‏ها؛ تحمل خوش‏بختی بیش از تحمل بدبختی، نشانه فضیلت اخلاقی است و اغلب لجاجت ما ناشی از زبونی و تهوّرمان ناشی از بزدلی است. این کتاب با عنوان شکوفه‏های جاویدان حکمت، به فارسی ترجمه شده است. فرانسوا لاروش‏ فوکو در سال‏های پایانی عمر متحمل مصیبت‏های بیابانه، خانهدگی، بیماری شد و ه خود را انجام در 17 مارس 1680م در 67 سالگی، گذشت.

السلام «انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم راکعون»(1)؛ ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان کسانی که نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند.